فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی هفتم، شماره‌ی ۲، پاییز ۹۷، صفحات ۱۱۷-۹۱

عوامل تعیین‌کننده‌ی انتقالات بین نسلی والدین سال‌مند و فرزندان بزرگ‌سال در شهر تهران[۱]

مجید کوششی[۲]، علی حصاری[۳]

تاریخ دریافت:۱۳۹۶/۱۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۱۵

چکیده

انتقالات بین نسلی خصوصی به عنوان جزئی از روابط بین نسلی به مبادلات مالی و غیرمالی بین نسل‌های مختلف در خانواده گفته می‌شود. انتقالات مالی به عنوان جبران‌کننده‌ی کسری چرخه‌ی عمر در سنین بالا و پایین و عامل مهمی در تأمین نیازهای اعضای خانواده در این مراحل از چرخه‌ی عمر تلقی می‌شود. هدف از این مطالعه، شناخت ترکیب انتقالات بین نسلی، عوامل تعیین‌کننده‌ی این انتقالات و درک پیچیدگی‌های آن در مناطق ۲۲ گانه‌ی شهر تهران است. داده‌های مورد نیاز از طریق پیمایش نمونه‌ی ۶۸۱ نفری از سرپرستان خانوار ۵۰ ساله و بیش‌تر شهر تهران در تابستان سال ۱۳۹۶ جمع‌آوری شده است. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که در سطح زوج‌های والدین – فرزندان، والدین، به هر فرزند، ماهیانه ۶۰۵۰ هزار ریال پرداخت و ۱۶۸۰ هزار ریال دریافت کرده است. الگوی سنی انتقالات نشان می‌دهد که انتقالات پرداختی والدین با افزایش سن آن‌ها کاهش و انتقالات دریافت‌شده‌ی آن‌ها افزایش می‌یابد. نتایج تحلیل‌های آماری نشان می‌دهد که سطح درآمد والدین، مهم‌ترین عامل در تبیین انتقالات بوده و میزان منابع و نیازها و ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی طرفین انتقالات نیز عوامل مهمی در تبیین این‌گونه انتقالات بوده است. نتایج تحقیق همچنین حاکی از آن است که انگیزه‌های انتقالات بین والدین و فرزندان با مدل‌های هم‌نوع‌دوستانه سازگارتر است.

واژه‌های کلیدی: انتقالات خصوصی؛ والدین سال‌خورده؛ فرزندان بزرگ‌سال؛ الگوی انتقالات؛ هم-نوع‌دوستی.

---

[۱] این مطالعه با حمایت مالی مؤسسه‌ی راهبردهای بازنشستگی صبا انجام شده است.

[۲] استادیار گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه تهران،(نویسنده‌ی مسئول)، kooshesh@ut.ac.ir

[۳] دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ali.hesari@ut.ac.ir

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

مقدمه

انتقالات بین نسلی[1] جزئی جدانشدنی از روابط و پیوندهای بین نسلی و عبارت است از مبادله‌ی انواع گوناگونی از منابع شامل حمایت‌های مالی، عاطفی و عملی و به اشتراک‌گذاشتن دانش و مهارت‌ها میان نسل‌های مختلف در خانواده(هاگستاد[2] و هرلوفسون[3]، ۲۰۰۵؛ لی[4] و ۲۰۱۱؛ میسن و همکاران، ۲۰۰۶). انتقالات بین نسلی را به دو دسته‌ی انتقالات عمومی[6] و خصوصی[7] تقسیم‌بندی و انتقالات خصوصی را تحت عنوان بازتخصیص منابع و دارایی‌ها از یک گروه سنی به گروه سنی دیگر تعریف کرده‌اند که از نظر کاردیا[8] و ان جی[9] (۲۰۰۳)، آتیاس-دانفوت[10] و همکاران (۲۰۰۵)، لی و میسن (۲۰۱۱)، کاراگیاناکی[11] (۲۰۱۱) و آلبوکرکی[12] (۲۰۱۴) به صورت انتقالات مالی[13]، زمان[14] و فضا[15](هم‌سکنایی) انجام می‌شود. انتقالات مالی نیز یا به صورت مبادلات مالی بین اعضای زنده‌ی خانواده یا به صورت ارث مبادله می‌شود(کوهلی[16]، ۱۹۹۹). انتقالات خصوصی به دو شکل مبادله بین اعضای زنده‌ی خانواده[17] و ارث[18] صورت می‌گیرد(کوهلی، ۱۹۹۹).

بر اساس روش‌شناسی حساب‌های ملی انتقالات، رفتار اقتصادی افراد در طول چرخه‌ی عمر اقتصادی متفاوت است و میزان درآمد ناشی از کار افراد در سنین اولیه و دوران سال‌خوردگی پایین‌تر از مصرف آن‌هاست که از آن تحت عنوان کسری چرخه‌ی عمر یاد می‌شود. کسری چرخه‌ی عمر از طریق پس‌انداز، بازتخصیص مبتنی بر دارایی‌ها و انتقالات تأمین می‌شود و در نبود انتقالات عمومی، کمبود دارایی‌ها و پس‌انداز انتقالات خصوصی، مهم‌ترین منبع برای جبران کسری

[1] Intergenerational Transfers
[2] Gunhild O. Hagestad
[3] Katharina Herlofson
[4] Ronald Lee
[5] Andrew Mason
[6] Public Transfers
[7] Private Transfers
[8] Emaunela Cardia
[9] Serena Ng
[10] Claudine Attias-Donfut
[11] Eleni Karagiannaki
[12] Paula C. Albuquerque
[13] Financial Transfer
[14] Time Transfer
[15] Space Transfer
[16] Martin Kohli
[17] Intervivos
[18] Bequest

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

چرخه‌ی عمر است؛ بنابراین آن‌چنان که لی و میسن(۲۰۱۱) نیز تأکید می‌کنند، انتقالات بین نسلی تأثیر زیادی بر سطح رفاه نسل‌ها، عدالت در توزیع منابع و نابرابری دارد و در زمان محدودیت اعتبارات، فقدان بخش عمومی و دارایی‌های اندک افراد و نسل‌ها، این انتقالات خصوصی است که آن‌ها را قادر به مصرفی بیش از درآمدشان می‌سازد. آلبوکرکی (۲۰۱٤) معتقد است که انتقالات بین نسلی در واقع کامل‌کننده‌ی درآمد دریافت‌کنندگان انتقالات، سازوکار خانواده‌ها برای کمک به نسل‌ها برای مقابله با بحران‌ها، گذارها و حتی نیازهای بلندمدت و منابع بالقوه‌ی مهمی برای افزایش رفاه خانواده‌ها هستند.

کاراگیاناکی(۲۰۱۱) در مجموع، انتقالات بین‌نسلی را از چند جنبه دارای اهمیت می‌داند. اول این که انتقالات بین اعضای خانواده می‌تواند منابع را بین آن‌ها بازتوزیع کنند؛ علاوه بر این انتقالات مالی والدین می‌تواند تأثیرگذاری سیاست‌های بازتوزیع منابع را توسط حکومت تحت تأثیر قرار دهد و در نهایت انتقالات خانوادگی، تعیین‌کننده‌ای مهم برای رفتار پس‌انداز افراد و محرکی برای انباشت ثروت و میزان‌های پس‌انداز در سطح ملی هستند. از نظر لی(۲۰۱۲)، انتقالات بین نسلی یک موضوع اساسی در اقتصاد جمعیت است. خالص انتقالات والدین به فرزندان، متناظر با هزینه‌های خصوصی فرزندان است و می‌تواند برای سرمایه‌گذاری بر سرمایه‌ی انسانی فرزندان(سلامت و آموزش) استفاده شود که با بهره‌وری، رفاه و رشد اقتصادی ارتباط پیدا می‌کند. بر اساس داده‌های حساب‌های ملی انتقالات، کل انتقالات دریافت‌شده در سال ۲۰۰۰ برابر با ٥٤ درصد و مجموع انتقالات خصوصی دریافت‌شده، ۳۱ درصد تولید ناخالص داخلی بوده است(لی و میسن، ۲۰۱۱) که اهمیت موضوع انتقالات بین نسلی را برجسته می‌سازد.

از سویی دیگر تغییرات جمعیتی، بازماندگی بالای والدین و فرزندان با یکدیگر و تغییرات اشکال و کارکردهای خانواده، منجر به افزایش تعداد خانواده‌های سه یا چهار نسلی شده است؛ زمینه‌ها و فرصت‌های بیش‌تری برای تعامل و حمایت به وجود آورده و تأثیر متقابل بین نسل‌ها را افزایش داده است(بنگستون[1]، ۲۰۰۱؛ هاگستاد و هرلوفسون، ۲۰۰۵؛ بیانچی[2] و همکاران، ۲۰۰۷؛ دایکسترا[3]، ۲۰۱۰؛ دایکسترا و همکاران، ۲۰۱۳). در مورد جامعه‌ی ایران نیز آزاد ارمکی(۱۳۹۵ و ۱۳۹۳) چنین عنوان می‌کند که روابط بین نسلی با وجود تضاد نسلی بین والدین و فرزندان

[1] Vern L. Bengtson
[2] Suzanne Bianchi
[3] Pearl A. Dykstra

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

همچنان پابرجاست و نسل‌های والدین سال‌خورده و فرزندان جوان و بزرگ‌سال از یکدیگر حمایت می‌کنند.

با توجه به موارد ذکرشده می‌توان گفت که در جامعه‌ی ایران نسل فرزندان بزرگ‌سال به دلیل انتقالات عمومی پایین، بیکاری بالا و هزینه‌های بالای گذارهایی مانند تحصیلات عالی، ازدواج، اشتغال، فرزندآوری و... نیازهایی دارند که می‌توان گفت تنها منبع تأمین آن‌ها والدین هستند و والدین سال‌مند نیز به دلیل کاهش درآمد ناشی از کار در این دوران و انتقالات عمومی ناچیزی که دریافت می‌کنند، باید مورد حمایت فرزندان بزرگ‌سال خود قرار گیرند که در صورت عدم برآورده‌شدن نیازهای مالی، هر دو نسل والدین سال‌خورده و فرزندان بزرگ‌سال با فقر، کاهش مصرف و پیامدهای اجتماعی مرتبط با آن درگیر خواهند بود. بنابراین با وجود محدودیت داده و مطالعات اکتشافی در این مورد، پاسخ‌گویی به سؤالاتی در مورد ترکیب و الگوی انتقالات بین فرزندان و والدین، تعیین‌کننده‌ها و انگیزه‌ی مسلط در انتقالات بین والدین و فرزندان برای دستیابی به تصویری از انتقالات بین والدین سال‌خورده و فرزندان ضروری است.

پیشینه‌ی پژوهش

مطالعات مرتبط با انتقالات بین نسلی، عموماً انگیزه‌های هم‌نوع‌دوستی و مبادله یا ترکیبی از این دو را به عنوان عوامل اصلی تأثیرگذار بر انتقالات بین نسلی معرفی کرده‌اند(کاکس[1] و رنک[2]، ۱۹۹۲؛ کاکس و همکاران، ۱۹۹٦؛ لیتوین[3] و همکاران، ۲۰۰۸؛ مورازیا[4]، ۲۰۱٤a؛ نورتون[5] و همکاران، ۲۰۱۳، کوهلی و کیونموند[6]، ۲۰۰۳؛ آلبرتینی[7] و رادل[8]، ۲۰۱۲؛ کوهلی، ۱۹۹۹). انگیزه‌های هم‌نوع‌دوستانه بر مطلوبیت انتقال‌دهنده، ابعاد مختلف همبستگی بین نسلی یا تعهد و مسئولیت بین نسلی تأکید می‌کنند و انگیزه‌های مرتبط با مبادله، بر جبران متقابل ویژگی بیمه‌ای و سرمایه‌گذاری انتقالات متمرکز شده‌اند. برخی مؤلفین بر این عقیده‌اند که هم‌نوع‌دوستی تنها زمانی مؤثر است که کمک‌ها واقعاً مورد نیاز باشند و انتقالات مالی رو به پایین به دلیل نیاز بیش‌تر

[1] Donald Cox, and Stark Oded
[2] Mark R. Rank
[3] Howard Litwin
[4] Stipica Mudrazija
[5] Edward C. Norton
[6] Harald Künemund
[7] Marco Albertini
[8] Jonas Radle

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

تحریک می‌شود(آلبرتینی و رادل، ۲۰۱۲). از نظر کوهلی(۱۹۹۹) عمل انتقال در خانواده توسط هم‌نوع‌دوستی اعضای خانواده شکل می‌گیرد و توسط انگیزه‌ی مبادله یا جبران تکمیل می‌شود.

کاکس و همکاران(۱۹۹٦)، کوهلی(۱۹۹۹)، میسن(۲۰۰۱)، کوهلی و کیونموند(۲۰۰۳)، آتیاس-دانفوت و همکاران(۲۰۰۵)، کلوگه[1](۲۰۰۹)، آلبرتینی و همکاران(۲۰۰۷)، لیتوین و همکاران(۲۰۰۸)، فوت[2] و کلوگه(۲۰۱۵)، لئوپولد[3] و اشنایدر[4] (۲۰۱۰)، شنک[5] و همکاران(۲۰۱۰) نشان دادند در جوامع پیشرفته، الگوی انتقالات خصوصی در جهت رو به پایین و از والدین سال‌مند به فرزندان بوده است. در این خصوص کاکس و رنک(۱۹۹۲) معتقدند که انتقالات بین نسلی در طول چرخه‌ی عمر عموماً از افراد میان‌سال به جوانان و سال‌مندان جریان دارد. آتیاس-دانفوت و همکاران(۲۰۰۵) دریافتند که احتمال انجام انتقالات مالی بین نسلی در خانواده با افزایش سن کاهش می‌یابد. آلبرتینی و همکاران(۲۰۰۷) نیز به این نتیجه رسیدند که والدین بیش‌تر احتمال دارد که حمایت مالی به فرزندان انجام دهند تا دریافت‌کننده باشند و مورازیا(۲۰۱٤a) و (۲۰۱٤b) نشان داد خالص انتقالات مالی با وجود این که با افزایش سن کاهش می‌یابد، از والدین به فرزندان جریان دارد.

کوهلی(۱۹۹۹)، کوهلی و کیونموند(۲۰۰۳)، کوهلی و آلبرتینی(۲۰۰٦)، آلبرتینی و همکاران(۲۰۰۷)، لیتوین و همکاران(۲۰۰۸)، کلوگه(۲۰۰۹)، لی(۲۰۱۲) و فوت و کلوگه(۲۰۱۵) نشان دادند که سیستم رفاه کشورها و مزایای فراهم‌شده توسط دولت، خانواده‌ها را قادر به حمایت و انتقالات بین‌نسلی می‌کند و تفاوت کشورها در سطح و نوع انتقالات را متأثر از سیستم رفاه کشورها می‌دانند. ولی شنک و همکاران(۲۰۱۰) معتقدند انتقالات نه بر اساس سیستم رفاه کشورها، بلکه بر اساس سطح ثروت خانواده‌ها متفاوت است. این مطالعات بر هم‌نوع‌دوستی والدین به عنوان تبیین‌کننده‌ی انتقالات تأکید می‌کنند.

مرور آثار موجود در مورد انتقالات بین نسلی همچنین نشان داد که منابع و نیازهای طرفین عوامل کلیدی در مدل‌های هم‌نوع‌دوستانه هستند و درآمد و ثروت دریافت‌کنندگان و پرداخت‌کنندگان تعیین‌کننده‌ی منابع و نیازهای دو طرف و عوامل مهمی در هدایت جریان انتقالات

[1] Fanny A. Kluge
[2] Tobias C. Vogt
[3] Thomas Leopold
[4] Thorsten Schneider
[5] Niels Schenk

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

بین نسل‌ها هستند. زمانی که درآمد و ثروت فرد در خانواده افزایش پیدا می‌کند، انتقالات به اعضای کم‌تر برخوردار، افزایش می‌یابد. در این مورد می‌توان به مطالعات بکر[۱] (۱۹۸۱)، آگری[۲] و همکاران(۱۹۹۸)، کوهلی(۱۹۹۹)، آلبوکرکی (۲۰۱٤)، بیانچی و همکاران(۲۰۰۷)، آلبرتینی و رادل(۲۰۱۳)، شنک و همکاران(۲۰۱۰)، کوهلی و کیونموند(۲۰۰۳)، لئوپولد و اشنایدر(۲۰۱۰)، مورازیا(۲۰۱٤a) کوهلی و آلبرتینی(۲۰۰٦)، استارک[۳] و ژنگ[٤](۲۰۰۰)، کیونموند و همکاران(۲۰۰۵) لیتوین و همکاران(۲۰۰۸)، آلبرتینی و همکاران(۲۰۰۷) و کاراگیاناکی(۲۰۱۱) اشاره کرد.

توبیو[۵] (۲۰۱۲) نشان داد آن چه انتقال داده می‌شود، می‌تواند به عنوان نوعی سیستم تأمین اجتماعی خصوصی در نظر گرفته شود که در آن افراد برای برداشت در زمان نیاز پس‌انداز می‌کنند. مورازیا(۲۰۱٤b) تبیین‌های مبتنی بر جبران متقابل را به عنوان جایگزین اصلی هم‌نوع‌دوستی یا تبیین نیازمحور انتقالات معرفی کرده است و شنک و همکاران(۲۰۱۰) معتقدند علاوه بر هم‌نوع‌دوستی والدین عامل دیگری که مهم‌ترین سهم را در تبیین انتقالات بین‌نسلی دارد، انتظار جبران انتقالات در آینده است. نتایج مطالعه‌ی کاکس و رنک(۱۹۹۲) کاکس و همکاران(۱۹۹۵)، کاکس و همکاران(۱۹۹٦) و آلتونجی[٦] و همکاران(۱۹۹۷) انگیزه‌ی هم‌نوع‌دوستانه در انجام انتقالات را مورد تردید قرار دادند و نشان دادند که الگوی تجربی انتقالات بین نسلی به دلیل رابطه‌ی مثبت مقدار انتقالات بین افراد خانواده با درآمد افراد، با ایده‌ی مبادله سازگارتر است تا هم‌نوع‌دوستی. کاراگیاناکی(۲۰۱۱)، آروندل[۷] و میسن[۸] (۲۰۰۲)، لئوپولد و اشنایدر(۲۰۱۰) و آگری و همکاران(۱۹۹۸) نیز در کنار همنوع‌دوستی بر انگیزه‌ی جبران و مبادله تأکید می‌کنند. آروندل و میسن(۲۰۰۱) و مورازیا(۲۰۱٤b) جبران غیرمستقیم را مبادله در بین چند نسل(سه یا بیش‌تر) می‌داند که مستلزم برخی سطوح هم‌نوع‌دوستی برای تداوم ارزش‌های مبادله بین نسل‌ها است. سیلورستین[۹] و همکاران(۲۰۰۲) نیز با تأکید بر همبستگی بین نسلی، بر نقش جبران به‌تعویق‌افتاده در انجام انتقالات و بازپرداخت انتقالات گذشته‌ی والدین به فرزندان تأکید کردند.

[1] Gary S Becker
[2] Emily M.Agree
[3] Oded Stark
[4] Junsen Zhang
[5] Constanza Soler Tobío
[6] Joseph G.Altonji
[7] Luc Arrondel
[8] André Masson
[9] Merril Silverstein

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

چارچوب نظری پژوهش

دانشمندان علوم اجتماعی مجموعه‌ی متنوعی از گونه‌شناسی انگیزه‌های انتقالات بین نسلی را با هدف درک تفاوت‌های انتقالات بین نسلی توسعه داده‌اند. انگیزه‌های هم‌نوع‌دوستی[1] و مبادله[2] یا جبران متقابل[3] دو رهیافت نظری مسلط در تبیین رفتار و انگیزه‌ی زمینه‌ای انتقالات بین نسل‌ها در درون خانواده‌ها هستند(شولز[4] و همکاران، ۲۰۱٤؛ مورازیا، ۲۰۱٤b؛ نورتون و همکاران، ۲۰۱۳؛ آلبرتینی و رادل، ۲۰۱۲؛ کاراگیاناکی، ۲۰۱۱؛ بیانچی و همکاران، ۲۰۰۷؛ آگری و همکاران، ۱۹۹۸؛ آلتونجی و همکاران، ۱۹۹۷؛ کاکس و همکاران، ۱۹۹٦؛ کاکس و یاکوبسن[5]، ۱۹۹۵ و کاکس و رنک، ۱۹۹۲). کوهلی(۱۹۹۹) ایده‌ی مبادله یا جبران متقابل را تکمیل‌کننده‌ی مفهوم نظری هم‌نوع‌دوستی معرفی کرده است. البته در تمامی نظریات مطرح‌شده در مورد انتقالات بین نسلی و مبتنی بر حساب‌های ملی، انتقالات نیازها و منابع قابل انتقال و نیازهای افراد در مراحل مختلف چرخه‌ی عمر اقتصادی، تعیین‌کننده‌های اصلی انتقالات هستند. منابع قابل انتقال پرداخت‌کنندگان که با میزان دارایی و درآمد افراد مرتبط است، عاملی تعیین‌کننده در جریان انتقالات بین نسل‌های مختلف قلمداد می‌شود و انگیزه‌های انتقالات به عنوان تشدیدکننده‌ی این نوع انتقالات، مطرح هستند.

در نظریه‌ی هم‌نوع‌دوستی، انتقالات از طریق حس وظیفه یا تعهد اخلاقی نسبت به فراهم‌ساختن کمک به افراد دیگر و متعاقباً به واسطه‌ی خیرخواهی انتقال‌دهنده نسبت به دریافت‌کننده تحریک می‌شوند (آلبرتینی و رادل، ۲۰۱۲: ۱۰۸). از نظر بکر (۱۹۷٤) در مدل هم‌نوع‌دوستی، مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده این است که انتقالات، رابطه‌ی منفی با درآمد دریافت‌کنندگان و رابطه‌ی مثبتی با درآمد پرداخت‌کنندگان دارد. بنابراین فرزندان فقیرتر که دارای منابع کم‌تری هستند، از والدین خود انتقالات بیش‌تری نسبت به فرزندان دارای درآمد و رفاه بالاتر دریافت خواهند کرد. در این مدل خانواده از طریق والدین سطح مصرف اعضا را به عنوان تابعی از درآمد کل خانواده تعیین می‌کند. در مورد انتقالات رو به بالا در نظریه‌های هم‌نوع دوستانه،

[1] Altruism
[2] Exchange
[3] Reciprocity
[4] John Karl Scholz
[5] George Jakubson

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

فرزندان به دلیل این که مراقب رفاه والدین خود هستند، انتقالات مالی برای آن‌ها انجام می‌دهند (مارتین[۱] و پرستون[۲]، ۱۹۹٤: ۱۳۰).

شوق به بخشیدن[۳] یا هم‌نوع‌دوستی ناخالص[٤] نیز که توسط آندرونی[٥](۱۹۹۰) مطرح شده است، مدل دیگر مرتبط با هم‌نوع‌دوستی است. این مدل علاوه بر رفاه فرزندان، انجام انتقالات برای والدین را دارای ارزش ذاتی می‌داند و از طریق میل شدید انتقال‌دهندگان به بخشیدن یا همان لذت بخشش[٦] افزایش می‌یابد(لئوپولد و اشنایدر، ۲۰۱۰: ۷؛ کوهلی و کیونموند، ۲۰۰۳؛ مارتین و پرستون، ۱۹۹٤). در این مدل رفتار افراد برخی اوقات از طریق میل به کسب پرستیژ، احترام، رفتار دوستانه‌ی دیگران و سایر انگیزه‌های روان‌شناختی برانگیخته می‌شود.

در مدل‌های مبادله که از نظریه‌ی انتخاب عقلانی منشعب شده، عموماً افراد، درگیر کنش‌هایی می‌شوند که پاداش‌های شخصی را به حداکثر و هزینه‌های شخصی را به حداقل برساند (بکر، ۱۹۷٤). نظریه‌ی مبادله به دو گروه عمده‌ی مبادله‌ی اجتماعی و مبادله‌ی اقتصادی تقسیم می‌شود. مبادله‌ی اقتصادی از دیدگاه محدود به مسئله می‌نگرد و شکلی از پرداخت برای خدمات است که متضمن انتقالات هم‌ارزش و هم‌زمان متقابل برای طرف‌های انتقالات است. مبادله‌ی اجتماعی از دیدگاه گسترده‌تری به انتقالات می‌نگرد و به بازپرداختی که بدون توجه به ارزش متناسب، می‌تواند با تأخیر زمانی رخ دهد و به طرف سوم منتقل شود گفته می‌شود(مورازیا، ۲۰۱٤b ؛ توبیو، ۲۰۱۲).

جبران متقابل به عنوان یکی از مفاهیم مرتبط با مبادله‌ی اجتماعی در بین نسل‌های خانواده، نشان‌گر تعهدی برای حمایت و مراقبت از کودکان و سال‌مندان با انتظار مورد مراقبت قرارگرفتن در دوران سال‌خوردگی است(توبیو، ۲۰۱۲: ۸٥٤؛ کوهلی، ۱۹۹۹: ۸۲). از نظر آروندل و میسن (۲۰۰۲) جبران متقابل، محصول تعهد درونی به پرداخت، دریافت و بازپرداخت است که از طریق هنجارهای اجتماعی، گروهی و فردی یا فشار اجتماعی برانگیخته می‌شوند و از این جهت متفاوت از مبادله‌ی مبتنی بر بازار است. در جبران متقابل، والدین، تأمین مالی تحصیل فرزندان یا وعده‌ی ارث را با حمایت‌شدن توسط فرزندان در دوران سال‌خوردگی مبادله می‌کنند. آروندل و میسن(۲۰۰۲) جبران غیر مستقیم را جای‌گزینی برای مدل‌های هم‌نوع‌دوستی و مبادله پیشنهاد

[1] Linda G. M
[2] Samuel H. Preston
[3] Warm Glow for Giving
[4] Impure Altruism
[5] James Andreoni
[6] Joy of Giving

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

می‌دهند. این نظریه به عنوان شکلی از نظریه‌ی عمومی جبران متقابل مطرح می‌شود که با در نظرگرفتن چهار نسل (سه نسل بزرگ‌سال) و یک چرخه‌ی عمر چهاردوره‌ای در خانواده (کودکی، سال‌خوردگی، اوایل دوره‌ی فعالیت و دوره‌ی تکامل فعالیت) که ویژگی‌های انتقالات در آن‌ها متفاوت‌اند، عملیاتی می‌شود.

از جمله دیگر نظریه‌های مطرح‌شده در مورد روابط بین‌نسلی، نظریه‌ی همبستگی بین نسلی بنگستون و رابرت[1] است(بنگستون و رابرت، ۱۹۹۱؛ بنگستون و اویاما[2]، ۲۰۰۷؛ نواک[3] و استینباخ[4]، ۲۰۰۹: ۳) که در آن انتقالات به عنوان نماد نزدیکی و صمیمیت بین اعضای خانواده و ابزاری برای پیوند بین نسل‌ها عمل می‌کند(کلارک[5] و کنی[6]، ۲۰۱۰). ابعاد همبستگی بین نسلی بنگستون در دو حوزه‌ی همبستگی بین نسلی پنهان و آشکار قرار می‌گیرد. عوامل شناختی – عاطفی مانند احساس تعهد هنجاری، نزدیکی عاطفی و توافق در ارزش‌ها، معرف همبستگی بین‌نسلی پنهان است که تمایل اعضای خانواده به نزدیک شدن به هم را افزایش می‌دهد. همبستگی آشکار، معرف جنبه‌های کارکردی زندگی خانوادگی مانند مبادله‌ی عواطف و حمایت‌های ابزاری و مادی است(سیلورستین و همکاران، ۲۰۰۶؛ سیلورستین و بنگستون، ۱۹۹۷).

فرضیات این مطالعه با توجه به مطالعات پیشین، مفاهیم و نظریه‌های مطرح‌شده به شرح ذیل خواهد بود:

– بین سطح منابع قابل‌انتقال(درآمد و دارایی) پرداخت‌کنندگان انتقالات و میزان انتقالات پرداخت‌شده رابطه‌ی مثبت برقرار است. هرچه میزان درآمد بالاتر باشد، انتقالات بیش‌تری انجام خواهد شد.

– بین سطح نیازهای دریافت‌کنندگان و میزان انتقالات دریافت‌شده، رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد و مقدار انتقالات در نتیجه‌ی افزایش نیازهای دریافت‌کنندگان افزایش می‌یابد.

– فرزندان غیرهم‌سکنا با والدین، انتقالات کم‌تری از والدین دریافت و انتقالات بیش‌تری پرداخت می‌کنند.

[1] Robert E. L Roberts
[2] Petrice S. Oyama
[3] Bernhard Nauck
[4] Anja Steinbach
[5] Shelley Clark
[6] Catherine Kenney

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

- انتقالات عمومی از یک سو انتقالات والدین به فرزندان را افزایش می‌دهد و از سویی دیگر انتقالات دریافت‌شده را از فرزندان کاهش می‌دهد.
- انتقالات بین نسلی بر اساس ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی مانند سن، جنسیت، تعداد فرزند، سطح تحصیلات و وضع فعالیت متغیر است.
- انتقالات بین والدین و فرزندان با انگیزه‌ی هم‌نوع‌دوستی سازگارتر از انگیزه‌ی جبران است.

روش پژوهش

روش مطالعه‌ی حاضر پیمایشی از نوع میدانی است و خانوارهای دارای سرپرست ۵۰ ساله و بیش‌تر ساکن شهر تهران که دارای فرزند ۱۸ ساله و بیش‌تر هستند، جامعه‌ی آماری این تحقیق را تشکیل می‌دهند. در سرشماری سال ۱۳۹۰ تعداد کل خانوارهای دارای سرپرست ۵۰ ساله و بیش‌تر شهر تهران برابر با ۷۵۱۱۳۱ خانوار بوده است. مبتنی بر تعداد خانوارهای دارای سرپرست ۵۰ ساله و بیش‌تر مناطق ۲۲ گانه‌ی شهر تهران، تعداد نمونه‌ی برآوردشده برابر با ۳۸۵ خانوار است. بر اساس نمونه‌گیری از حوزه‌ها و بلوک‌های آماری شهر تهران، ۱۳ منطقه و ۲۸ بلوک به صورت تصادفی در نمونه قرارگرفته‌اند و تعداد نمونه در هر منطقه بر اساس سهم هر منطقه مشخص شده است. روش نمونه‌گیری در این مطالعه روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای مبتنی بر سهم است. برای افزایش فراوانی در سلول‌های جداول آماری، بالابردن دقت مطالعه و دستیابی به نتایج معتبرتر، سعی شده است به صورت متناسب و سهمیه‌ای تعداد بیش‌تری پرسش‌نامه از هر حوزه و بلوک آماری تکمیل شود که در مجموع پرسش‌نامه‌های تکمیل‌شده‌ی درست را به ٦٨١ پرسش‌نامه رسانده است.

واحد مطالعه‌ی سرپرستان خانوار ۵۰ ساله و بیش‌تر و فرزندان بزرگ‌سال ۱۸ ساله و بیش‌تر آنان است و اطلاعات موردنیاز از والدین(سرپرست خانوار) جمع‌آوری شده است. برای جمع‌آوری داده‌ها از ابزار پرسش‌نامه و تکنیک مصاحبه استفاده شده است و مبنای اندازه‌گیری انتقالات، پرسش‌هایی است که در فرم اندازه‌گیری هزینه - درآمد خانوار به کار رفته‌اند و در موارد خاص مانند روابط بین نسلی از پرسش‌نامه‌های استاندارد و با رعایت فرآیندهای اندازه‌گیری استفاده شده است. پرسش‌نامه‌ی مورد نظر از نظر شاخص‌های اعتبار و روایی مورد آزمون قرار گرفت و پس از تأیید و به‌دست‌آمدن نتایج مناسب، مورد استفاده قرار گرفته است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

مهم‌ترین متغیرهای اندازه‌گیری‌شده که برای والدین و فرزندان به طور جداگانه مورد سنجش قرارگرفته‌اند، عبارت‌اند از: میزان انتقالات والدین و فرزندان به یکدیگر، ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی از قبیل سن، جنسیت، وضع تأهل، سطح تحصیلات، وضع فعالیت، ترتیبات زندگی، میزان درآمد، سطح دارایی و... و همچنین شاخص‌های مرتبط با انگیزه‌های زمینه‌ای انتقالات.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های مطالعه مشتمل بر الگوی سنی و میزان انتقالات و عوامل مؤثر بر انتقالات بین والدین و فرزندان در سطح زوج‌های والدین و فرزندان است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که از مجموع ٦٨١ پاسخ‌گوی نمونه، ۹۱/٦ درصد در ۱۲ ماه گذشته انتقالاتی به فرزندان خود انجام داده‌اند و ۵۸/٦ درصد انتقالاتی از فرزندان خود دریافت کرده‌اند. در مورد انتقالات مالی بین زوج‌های والدین – فرزندان نیز ۷۸/٤ درصد والدین و ۵۹/۱ درصد فرزندان انتقالاتی به فرزندان و والدین خود انجام داده‌اند. مبادله‌ی منابع مالی بین پاسخ‌گویان و فرزندان(جدول ۱) نشان می‌دهد که انتقالات پرداخت‌شده‌ی والدین به فرزندان، ۷۸ درصد کل انتقالات بین والدین و فرزندان است و ۲۲ درصد مبادلات مالی بین والدین و فرزندان را انتقالات پرداخت‌شده‌ی فرزندان به والدین تشکیل می‌دهد. بر اساس اطلاعات جمع‌آوری‌شده، انتقالات پرداختی والدین به فرزندان بیش‌تر از دریافتی آن‌هاست و با افزایش سن پاسخ‌گویان کاهش یافته است. حجم انتقالات پرداختی والدین در گروه‌های سنی ۷۰ ساله و بیش‌تر به کم‌ترین مقدار خود رسیده است.

سرانه‌ی انتقالات والدین به فرزندان حاکی از این است که میانگین انتقالات پرداختی هر سرپرست خانوار به فرزندان خود، ماهیانه ۱,۳٦۱ هزار تومان بوده است که با افزایش سن والدین از مبلغ ۱,٤٦۸ هزار تومان در گروه سنی ٥٤–٥۰ به ٤۱۲ هزار تومان در گروه سنی ۸۰ ساله و بیش‌تر کاهش یافته است. ملاحظه می‌شود که والدین تا واپسین سال‌های عمر، انتقالاتی به فرزندان انجام می‌دهند، ولی خالص این انتقالات در سال‌های پایانی منفی است و والدین به طور خالص دریافت‌کننده هستند. الگوی سنی انتقالات دریافت‌شده نشان می‌دهد که از مجموع ۲۵۷,۳٦۰ هزار تومان انتقالات دریافت‌شده، بیش‌ترین مبلغ توسط والدین گروه سنی ٦۹–٦٥ ساله دریافت شده است؛ ولی نگاهی به سرانه‌ی انتقالات دریافت‌شده توسط والدین نشان می‌دهد که انتقالات دریافت‌شده توسط والدین با افزایش سن کاهش یافته است و از ۲۱٦ هزار تومان در گروه سنی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

٥٤-٥٠ ساله به ۹۱۵ هزار تومان در گروه سنی ۸۰ ساله و بیش‌تر رسیده است. در مجموع الگوی سنی، انتقالات پرداختی والدین به گونه‌ای است که با افزایش سن آن‌ها کاهش می‌یابد و انتقالات دریافت‌شده با افزایش سن والدین افزایش می‌یابد. میانگین انتقالات پرداخت‌شده‌ی والدین ۱,۳٦۱ هزار تومان و انتقالات دریافت‌شده‌ی آن‌ها از فرزندان ۳۷۸ هزار تومان بوده است.

جدول شماره‌ی یک- توزیع پاسخ‌گویان به تفکیک حجم و سرانه‌ی انتقالات پرداخت و دریافت‌شده‌ی والدین(هزار تومان)

نوع انتقالات / گروه سنی والدین	والدین به فرزندان		والدین از فرزندان	
	مبلغ انتقالات	میانگین	مبلغ انتقالات	میانگین
٥٠-٥٤	۷۸۰/۲۸۷	٤٦۸/۱	۲۹۰/٤۲	۲۱٦
٥٥-٥۹	۸۷۰/۲٦۷	٥۹٤/۱	۹۱۰/٤٥	۲۷۳
٦۰-٦٤	٤٥۰/۲۰٤	٦۱۰/۱	۳٥۰/٤۸	۳۸۱
٦٥-٦۹	۲۰۰/۱۲۱	۰٥٤/۱	٦٦۰/۷۰	٦۱٤
۷۰-۷٤	٥٥۰/۲۹	٦۸۷	۹٥۰/۲۷	٦٥۰
۷٥-۷۹	۹٥۰/۱۰	٥۷٦	۳۰۰/۱۰	٥٤۲
۸۰+	۳٥۰/٥	٤۱۲	۹۰۰/۱۱	۹۱٥
جمع	۱٥۰/۹۲۷	۳٦۱/۱	۳٦۰/۲٥۷	۳۷۸

جدول(۲) مبادلات مالی بین والدین و تک‌تک فرزندان و هر یک از فرزندان به والدین را به تفکیک گروه سنی والدین نشان می‌دهد. هر یک از والدین با فرزند یک زوج تشکیل می‌دهند و والدینی که بیش از یک فرزند ۱۸ ساله و بیش‌تر داشته‌اند، به تعداد فرزندان زوج تشکیل می‌دهند. سرانه‌ی انتقالات والدین به هر فرزند در جامعه‌ی مورد مطالعه برابر با ٦۰٥ هزار تومان برای هر فرزند بوده است. سرانه‌ی انتقالات پرداخت‌شده به هر فرزند در گروه سنی ٥٤-٥۰ ساله رقمی برابر با ۸٥٦ هزار تومان بوده است که با افزایش سن پاسخ‌گویان کاهش می‌یابد و به ۱۱۱ هزار تومان در گروه سنی ۸۰ ساله و بیش‌تر می‌رسد. اطلاعات جمع‌آوری‌شده همچنین نشان می‌دهد که سرانه‌ی انتقالات دریافت‌شده از هر فرزند در جامعه‌ی آماری برابر با ۱٦۸ هزار تومان بوده است. میانگین انتقالات دریافت‌شده توسط والدین از هر فرزند با افزایش سن پاسخ‌گویان افزایش یافته

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

است و از ۱۲٦ هزار تومان در گروه سنی ٥٤-٥٠ ساله به ۲٤۸ هزار تومان در گروه سنی ۸۰ ساله و بیش‌تر رسیده است.

جدول شماره‌ی دو- انتقالات بین زوج والدین – فرزندان به تفکیک گروه سنی والدین در سطح زوج‌ها(هزار تومان)

نوع انتقالات / گروه سنی	والدین به فرزند		فرزند به والدین	
	مبلغ انتقالات	میانگین	مبلغ انتقالات	میانگین
٥٠-٥٤	۷۸۰/۲۸۷	۸٥٦	۲۹۰/٤۲	۱۲٦
٥٥-٥۹	۸۷۰/۲٦۷	۸۰۹	۹۱۰/٤٥	۱۳۹
٦۰-٦٤	٤٥۰/۲۰٤	٦۷۰	۳٥۰/٤۸	۱٥۹
٦٥-٦۹	۲۰۰/۱۲۱	۳۸۷	٦٦۰/۷۰	۲۲٦
۷۰-۷٤	٥٥۰/۲۹	۲۱۹	۹٥۰/۲۷	۲۰۷
۷٥-۷۹	۹٥۰/۱۰	۱۷۱	۳۰۰/۱۰	۱٦۱
۸۰+	۳٥۰/٥	۱۱۱	۹۰۰/۱۱	۲٤۸
جمع	۱٥۰/۹۲۷	٦۰٥	۳٦۰/۲٥۷	۱٦۸

ماتریس خالص انتقالات والدین به فرزندان(جدول ۳ و نمودار ۱) که از تفاضل ماتریس انتقالات والدین به فرزندان و انتقالات فرزندان به والدین حاصل شده است، نشان می‌دهد که والدین به طور خالص ٤۳۷ هزار تومان صرف انتقالات به فرزندان می‌کنند. ماتریس به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که بین گروه‌های سنی مختلف والدین و فرزندان، بیش‌ترین خالص انتقالات بین والدین و فرزندان از والدین گروه سنی ٦٤-٦۰ ساله به فرزندان گروه سنی ۱۹-۱۸ ساله جریان دارد (۱,۳۷۷ تومان). سرانه‌ی انتقالات والدین به فرزندان تا گروه سنی ۳٤-۳۰ ساله‌ی فرزندان به نفع فرزندان است و از این گروه سنی به بعد، این والدین هستند که به صورت خالص دریافت‌کننده‌ی انتقالات هستند. گروه‌های سنی ۱۹-۱۸ ساله، ۲٤-۲۰ ساله، ۲۹-۲٥ ساله، ۳٤-۳۰ و ۳۹-۳٥ ساله به طور خالص ۹٤٥، ۸۳۸، ٦۳۳، ۳۱۲ و ۳۲ هزار تومان از والدین خود دریافت کرده‌اند و گروه‌های سنی ٤٤-٤۰ ساله و ٤٥ ساله و بیش‌تر به طور خالص ۹۳ و ٦٦ هزار تومان به والدین خود پرداخت کرده‌اند.

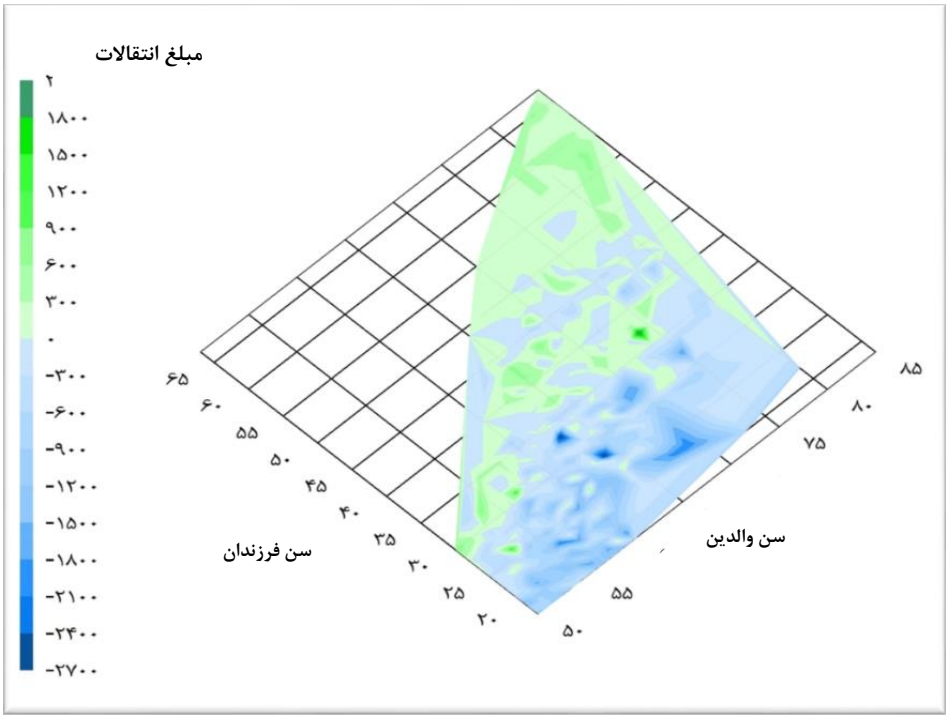
[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

در نمودار(۱) در نقاط آبی، والدین به طور خالص پرداخت‌کننده، در نقاط سبز، والدین دریافت‌کننده هستند و نقاط پررنگ‌تر نشان‌گر حجم بیش‌تر انتقالات است. الگوی سنی خالص انتقالات بین والدین و فرزندان نشان می‌دهد که به طور کلی والدین تا سنین بالا پرداخت‌کننده‌ی انتقالات به فرزندان هستند و فرزندان در سنین ۳۵ ساله و بیش‌تر حمایت‌های مالی بیش‌تری از والدین می‌کنند. والدین فارغ از این که در چه سنی باشند از فرزندان جوان‌تر حمایت کرده‌اند و مورد حمایت فرزندان مسن‌تر قرار گرفته‌اند.

جدول شماره‌ی سه- ماتریس خالص سرانه‌ی انتقالات بین والدین و فرزندان(هزار تومان)

گروه سنی فرزندان / گروه سنی والدین	18-19	20-24	25-29	30-34	35-39	40-44	45+	میانگین
۵۰-۵٤	-۹۲۲	-۸۵۷	-۲۵۲	۲۱۰	۰	۰	۰	-۷۳۱
۵۵-۵۹	-۹٦۰	-۸۱۱	-٦٦۰	-۵۷	۱٦۹	۰	۰	-٦۷۱
٦۰-٦٤	-۱/۳۷۷	-۸۳۳	-۸٤۵	-۳٦٤	-۲۱۳	۱٤۲	۲۵۰	-۵۱۲
٦۵-٦۹	۰	-۲/۰۰۰	-٦۲۹	-۳٦۰	-۷۱	۱۹۹	-۵۸	-۱٦۱
۷۰-۷٤	۰	-۳۲۵	-٦۸۸	-۵۵۸	۲۲۹	-۱۲	۳۰	-۱۲
۷۵-۷۹	۰	۰	۰	-٦۰۰	٦٤	-٦٤	۷٦	-۱۰
۸۰+	۰	-۳۲۵	۰	-۱۰۰	-۳۳	۳۱	۲۳۰	۱۳٦
میانگین	-945	-838	-632	-۳۱۲	-۳۲	۹۳	٦٦	-٤۳۷

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]



نمودار شماره‌ی یک- خالص سرانه‌ی انتقالات بین والدین و فرزندان برحسب سن(هزار تومان)

عوامل تعیین‌کننده‌ی انتقالات بین والدین و کل فرزندان

برای بررسی روابط بین متغیرها، شناخت عوامل تعیین‌کننده‌ی انتقالات بین والدین و فرزندان و آزمون فرضیه‌های تحقیق، از مدل‌های رگرسیونی چندمتغیره استفاده شده است. با توجه به ماهیت و اهداف مطالعه، باید مدل‌های جداگانه‌ای برای انتقالات والدین به فرزندان و انتقالات فرزندان به والدین در سطح زوج والدین – فرزند برآورد نماییم.

جدول(٤) ضرایب رگرسیونی عوامل مؤثر بر انتقالات والدین به فرزندان را نشان می‌دهد. با توجه به اهمیت بالای میزان درآمد والدین در انتقالات پرداخت‌شده به فرزندان، در مدل یک، درآمد والدین به عنوان متغیر مستقل و انتقالات والدین به فرزندان به عنوان متغیر تابع وارد مدل شده است. ضریب تعیین تعدیل‌شده برابر با ۰/٤۱۸ است که نشان می‌دهد نزدیک به ٤۲ درصد از تغییرات میزان انتقالات والدین به فرزندان توسط متغیر میزان درآمد زوج والدین تبیین می‌شود. در این مدل یک واحد افزایش در میزان درآمد والدین به میزان انتقالات والدین را به فرزندان به میزان ۰/۹۸ واحد افزایش می‌دهد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

در مدل دوم، متغیرهای جنسیت سرپرست، سن سرپرست، سطح تحصیلات سرپرست، سطح دارایی خانوار، شاغل‌بودن سرپرست و تعداد فرزندان وارد مدل شده‌اند و ضریب تعیین تعدیل‌شده را به ۰/۵۰۷ افزایش داده‌اند. ضریب تعیین در مدل دوم با ورود متغیرهای مستقل که بیش‌تر مرتبط با منابع قابل انتقال والدین یا سرپرست خانوار است، به میزان ۹/۲ درصد افزایش یافته است. متغیرهای واردشده به مدل دوم که به نوعی تعیین‌کننده‌های میزان درآمد نیز هستند، منابع قابل‌انتقال والدین را افزایش می‌دهند. این مدل نشان می‌دهد سرپرستان خانوار مرد، تحصیل‌کرده‌ترها، ثروتمندترها و شاغلان، انتقالات بیش‌تری به فرزندان انجام داده‌اند و با افزایش سن و تعداد فرزندان انتقالات به فرزندان کاهش می‌یابد.

در مدل سوم، متغیرهای مرتبط با ویژگی‌های فرزندان شامل: سن فرزند، جنسیت فرزند، شاغل‌بودن فرزند، در حال تحصیل‌بودن فرزند و هم‌سکنایی فرزند با والدین وارد معادله شدند و نشان دادند که ضریب تعیین به میزان ۰/۱۰۷ افزایش یافت و به ۰/٦۱۳ رسید. بنابراین بیش از ٦۱ درصد، تغییرات انتقالات والدین به فرزندان از طریق مجموعه‌ی متغیرهای واردشده به مدل برآورد شده است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

جدول شماره‌ی چهار- مدل رگرسیونی عوامل تعیین‌کننده‌ی انتقالات والدین به فرزندان

متغیرها	ضرایب	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد	t	Sig.	سطح اعتماد ۹۵٪ B	
		B	Std. Error	Beta			کمترین	بیشترین
مدل 1	مقدار ثابت	-1/096	0/128		-8/54	0/000	-1/348	-0/844
	لگاریتم درآمد	0/981	0/033	0/647	29/37	0/000	0/915	1/046
	R Square change =۰/٤١٨ Std. Error of the Estimate = ۰/۳۵۰ Adjusted R Square = ۰/٤١٨ R Square = ۰/٤١٨							
مدل 2	مقدار ثابت	0/349	0/194		1/80	0/072	-0/031	0/729
	لگاریتم درآمد	0/632	0/048	0/417	13/10	0/000	0/538	0/727
	جنسیت سرپرست	0/123	0/029	0/098	4/28	0/000	0/067	0/180
	سن سرپرست	-0/004	0/002	-0/067	-2/11	0/035	-0/008	0/000
	سطح تحصیلات سرپرست	0/021	0/007	0/076	۰۰/۳	0/003	0/007	/035
	سطح دارایی خانوار	0/063	0/013	0/141	4/87	0/000	0/038	0/089
	شاغل‌بودن سرپرست	0/084	0/029	0/085	2/91	0/004	0/028	0/141
	تعداد فرزندان	-0/112	0/017	-0/180	-6/51	0/000	-0/145	-0/078
	R Square change = ۰/۰۹۲ Std. Error of the Estimate = ۰/۳۲۲ Adjusted R Square = ۰/۵۰۷ R Square = ۰/۵۱۰							
مدل 3	مقدار ثابت	-0/263	0/179		-1/47	0/143	-0/614	0/089
	لگاریتم درآمد	0/692	0/044	0/456	15/85	0/000	0/606	0/777
	جنسیت سرپرست	0/066	0/027	0/052	۷2/4	0/014	0/013	0/118
	سن سرپرست	0/004	0/002	0/060	۵1/6	0/100	-0/001	0/008
	سطح تحصیلات سرپرست	0/007	0/006	0/027	۹1/1	0/236	-0/005	0/020
	سطح دارایی خانوار	0/041	0/012	0/092	3/51	0/000	0/018	0/064
	شاغل‌بودن سرپرست	0/068	0/026	0/069	۵2/6	0/008	0/018	0/119
	تعداد فرزند	-0/095	0/016	-0/154	۸-6/0	0/000	-0/126	-0/064
	سن فرزند	0/006	0/002	0/116	2/61	0/009	0/002	0/011
	جنسیت فرزند	0/044	0/019	0/048	2/33	0/020	0/007	0/081
	شاغل‌بودن فرزند	-0/338	0/024	-0/367	-13/99	0/000	-0/385	-0/291
	درحال تحصیل-بودن فرزند	-0/395	0/039	-0/279	-10/10	0/000	-0/472	-0/319
	هم‌سکنایی فرزند با والدین	0/123	0/026	0/133	۲4/7	0/000	0/072	0/174
	R Square change = ۰/۱۰۷ Std. Error of the Estimate = ۰/۲۸٦ Adjusted R Square = ۰/٦١٣ R Square = ۰/٦١٧							

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

ادامه جدول (۵) میزان تأثیر تعیین‌کننده‌های جریان انتقالات را از فرزندان به والدین نشان می‌دهد. جدول مشتمل بر دو مدل مجزا است. ضریب تعیین برآوردشده در مدل یک که شامل متغیرهای فرزندان است، نشان می‌دهد نزدیک به ۲۵ درصد از تغییرات متغیر انتقالات فرزندان به والدین توسط سطح درآمد فرزندان، سن، جنسیت، هم‌سکنایی و اشتغال فرزند تبیین شده است. درآمد فرزندان بیش‌ترین تأثیر را بر انتقالات پرداخت‌شده‌ی فرزندان بر والدین دارد.

در مدل دوم، متغیرهای مرتبط با ویژگی‌ها و نیازهای والدین که شامل متغیرهای سن، جنسیت، سطح تحصیلات، درآمد و بازنشسته‌بودن سرپرست است، به مدل یک افزوده شده‌اند. با ورود این متغیرها، ضریب تعیین به مقدار ۰/۰۶۱ واحد افزایش یافته است و ضریب تعیین تعدیل‌شده به بیش از ۳۰ درصد رسیده است. به طور خلاصه می‌توان گفت منابع و درآمد فرزندان که متأثر از اشتغال، سن، جنسیت و هم‌سکنایی فرزندان با والدین است و نیازهای والدین که با سن، جنسیت، تحصیلات، درآمد و بازنشسته‌بودن سرپرست مرتبط است، تعیین‌کننده‌های انتقالات فرزندان به والدین است. همچنین رابطه‌ی مثبت بین انتقالات فرزندان به والدین و درآمد والدین و فرزندان می‌تواند نشان‌دهنده‌ی انتقالات فرزندان به والدین با انگیزه‌ی جبران انتقالات پیشین والدین به فرزندان باشد. والدین دارای درآمد بالاتر، انتقالات بیش‌تری نیز دریافت می‌کنند که نشان می‌دهد نیاز والدین تأثیر کم‌تری دارد و فرزندان برای جبران حمایت‌های والدین خود از آن‌ها حمایت می‌کنند. بنابراین انگیزه‌ی مسلط در انتقالات والدین به فرزندان، هم‌نوع‌دوستی والدین نسبت به فرزندان است و در انتقالات فرزندان به والدین انگیزه‌ی جبران تأثیر بیش‌تری دارد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

جدول شماره‌ی پنج- مدل رگرسیونی عوامل تعیین‌کننده‌ی انتقالات فرزندان به والدین

متغیرها	ضرایب	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد	t	Sig.	سطح اعتماد ۹۵٪ B	
		B	Std. Error	Beta			کمترین	بیشترین
مدل ۱	مقدار ثابت	2/023	0/061		32/985	0/000	1/902	2/143
	سطح درآمد فرزند	0/102	0/012	0/439	8/255	0/000	0/078	0/126
	سن فرزند	0/001	0/001	0/040	0/887	0/376	-0/002	0/004
	جنسیت فرزند	0/001	0/023	0/002	0/052	0/959	-0/044	0/047
	هم‌سکنایی	0/160	0/028	0/251	5/724	0/000	0/105	0/215
	شاغل‌بودن فرزند	0/044	0/042	0/058	1/042	0/298	-0/039	0/126
	R Square = 0/25 Adjusted R Square =0/245 Std. Error of the Estimate =0/269 R Square change =0/25							
مدل ۲	مقدار ثابت	1/552	0/184		8/444	0/000	1/192	1/913
	سطح درآمد فرزند	0/079	0/013	0/342	6/196	0/000	0/054	0/104
	سن فرزند	0/007	0/002	0/214	3/135	0/002	0/003	0/011
	جنسیت فرزند	0/021	0/023	0/034	0/934	0/351	-0/023	0/065
	هم‌سکنایی	0/184	0/028	0/289	6/685	0/000	0/130	0/238
	شاغل‌بودن فرزند	0/062	0/042	0/081	1/476	0/140	-0/020	0/143
	جنسیت سرپرست	-0/166	0/027	-0/225	-6/229	0/000	-0/218	-0/114
	سن سرپرست	-0/005	0/002	-0/123	-2/011	0/045	-0/009	0/000
	سطح تحصیل سرپرست	0/020	0/008	0/099	2/513	0/012	0/004	0/035
	درآمد والدین	0/169	0/038	0/175	4/456	0/000	0/094	0/243
	بازنشسته‌بودن سرپرست	0/123	0/027	0/179	4/533	0/000	0/070	0/177
	R Square = 0/311 Adjusted R Square =0/301 Std. Error of the Estimate =0/259 R Square change =0/061							

نتیجه‌گیری

نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که ۷۸/٤ درصد از فرزندان مورد حمایت مالی والدین قرار گرفته‌اند و حدود ۵۲ درصد از آن‌ها به والدین خود کمک مالی کرده‌اند. همچنین ۷۸ درصد منابع مالی مبادله‌شده بین والدین و فرزندان، مربوط به انتقالات پرداخت‌شده‌ی والدین به فرزندان و ۲۲ درصد مربوط به انتقالات پرداخت‌شده‌ی فرزندان به والدین بوده است. هر فرزند به طور متوسط

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

ماهیانه ٦٠٥ هزار تومان از والدین خود دریافت و ١٦٨ هزار تومان پرداخت کرده است. الگوی سنی انتقالات نشان می‌دهد انتقالات پرداخت‌شده‌ی والدین با افزایش سن والدین کاهش و انتقالات دریافت‌شده افزایش می‌یابد. سرانه‌ی انتقالات بین خانوار والدین و فرزندان نشان می‌دهد هر یک از والدین، ماهیانه ۳۳۳ هزار تومان صرف انتقالات به خانوار هر یک از فرزندان خود کرده‌اند و ماهیانه ۱۸۹ هزار تومان دریافت کرده‌اند.

روابط بین عوامل تأثیرگذار بر انتقالات والدین به فرزندان و بالعکس نشان می‌دهد میزان درآمد که معرف منابع قابل انتقال والدین و فرزندان است، مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر حجم انتقالات بین والدین و فرزندان است. درآمد والدین تحت تأثیر جنسیت، سن، سطح دارایی، اشتغال و سطح تحصیلات است و تعداد فرزندان به دلیل این که والدین باید منابع خود را بین تعداد فرزندان بیش‌تر تقسیم کنند، منابع والدین را کاهش می‌دهد. این متغیرها به عنوان تعیین‌کننده‌های میزان درآمد و منابع قابل انتقال والدین، با میزان انتقالات والدین به فرزندان رابطه‌ی معنی‌داری دارند. با توجه به روابط موجود، می‌توان گفت که فرضیه‌ی رابطه‌ی بین سطح درآمد و منابع پرداخت‌کنندگان انتقالات و میزان انتقالات والدین به فرزندان تأیید می‌شود.

نتایج مطالعه همچنین نشان داد که رابطه‌ی معنی‌داری بین سن، جنسیت، اشتغال، در حال تحصیل‌بودن و هم‌سکنایی فرزندان و انتقالات فرزندان به والدین وجود دارد. فرزندان سنین بالاتر به دلیل این که باید هزینه‌های زندگی مستقل خود را تأمین کنند، غیر شاغل‌ها به دلیل عدم دسترسی به درآمد و کسانی که در حال تحصیل نیستند، به دلیل الزام به تأمین هزینه‌های خانوار تحت سرپرستی خود، نیاز بیش‌تری دارند و انتقالات بیش‌تری از والدین خود دریافت کرده‌اند. بنابراین شواهد نشان می‌دهد که رابطه‌ی معنی‌داری بین نیازهای فرزندان و میزان انتقالات دریافت‌شده‌ی فرزندان از والدین قابل مشاهده است. فرزندان پسر به دلیل ویژگی‌های فرهنگی حاکم بر جامعه و به این دلیل که پس از جدایی از والدین نیز برخی نیازهایشان توسط والدین تأمین می‌شود، انتقالات بیش‌تری از والدین خود دریافت می‌کنند. فرزندان هم‌سکنا نیز به دلیل اشتغال و درآمد پایین‌تر، نیازهای بیش‌تر و همبستگی بین نسلی بالاتر انتقالات بیش‌تری دریافت می‌کنند و فرض رابطه‌ی بین هم‌سکنایی و میزان انتقالات دریافت‌شده تأیید می‌شود.

روابط بین متغیرها در مدل انتقالات فرزندان به والدین نشان می‌دهد که بین درآمد یا منابع قابل انتقال فرزندان و انتقالات فرزندان به والدین، رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. هرچه درآمد فرزندان که در ارتباط با سن و اشتغال و جنسیت آن‌هاست بیش‌تر باشد، انتقالات به والدین

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

نیز افزایش می‌یابد. هرچند که این متغیرها به‌طور مستقیم رابطه‌ی معنی‌داری با میزان انتقالات فرزندان ندارد ولی دارای واریانس مشترک با میزان درآمد فرزندان هستند. فرزندان هم‌سکنا انتقالات بیش‌تری به والدین انجام داده‌اند که نشان‌گر منابع قابل انتقال بیش‌تر فرزندان شاغل هم‌سکنا و تمایل آن‌ها به جبران هم‌سکنایی با والدین در سنین بالاتر والدین و فرزندان از طریق حمایت بیش‌تر از والدین است.

رابطه‌ی بین ویژگی‌های والدین و انتقالات دریافت‌شده از فرزندان نشان می‌دهد که زنان سرپرست خانوار جوان‌ترها، تحصیل‌کرده‌ترها، پردرآمدها و بازنشسته‌ها انتقالات بیش‌تری دریافت کرده‌اند. جنسیت سرپرست خانوار و بازنشسته‌بودن والدین، نیازهای آن‌ها را نشان می‌دهد و جوان‌تربودن، تحصیل‌کرده‌تربودن و پردرآمدبودن به این دلیل میزان انتقالات فرزندان را افزایش می‌دهد که فرزندان انتقالات را با انگیزه‌های جبرانی و با انتظار دریافت ارث در آینده انجام می‌دهند. والدین جوان‌تر، تحصیل‌کرده‌تر و پردرآمد نیازهای کم‌تری دارند؛ لذا انتظار نمی‌رود که نیازهای آن‌ها برانگیزاننده‌ی انتقالات باشد.

یافته‌های تحقیق در مورد رابطه‌ی بین جنسیت و انتقالات نشان داد که مردان، بیش‌تر از زنان به فرزندان پسر خود کمک می‌کنند؛ ولی جنسیت فرزندان رابطه‌ی مستقیم معنی‌داری با انتقالات ندارد و از طریق افزایش درآمد و منابع بر انتقالات به فرزندان تأثیر داشته است؛ همچنین سرپرستان زن، انتقالات بیش‌تری دریافت می‌کنند. البته جنسیت به‌خودی‌خود نمی‌تواند بر انتقالات تأثیرگذار باشد و به واسطه‌ی ویژگی‌های فرهنگی مرتبط با نابرابری جنسیتی و تأثیر آن بر منابع قابل انتقال و درآمد اهمیت پیدا می‌کند. جمع‌بندی رابطه‌ی بین سن و حجم انتقالات نشان می‌دهد که والدین سنین بالاتر به دلیل منابع و درآمد محدودتر انتقالات کم‌تری پرداخت کرده‌اند و در سنین بالاتر به دلیل نیاز بیش‌تر، انتقالات بیش‌تری نیز دریافت کرده‌اند. سن فرزندان نیز عامل مهمی در تبیین و پیش‌بینی میزان انتقالات فرزندان به والدین بوده است. با افزایش سن فرزندان، به دلیل اشتغال، درآمد و منابع بیش‌تر فرزندان و سن و نیاز بیش‌تر والدین، انتقالات پرداخت‌شده‌ی آن‌ها به والدین افزایش می‌یابد؛ ولی والدین جوان‌تر که دارای اشتغال بیش‌تر و درآمد بالاتری هستند، انتقالات بیش‌تری نیز دریافت کرده‌اند که نشان می‌دهد نیازهای آن‌ها در این مورد تأثیری نداشته است و انگیزه‌ی جبران انتقالات در میان است.

رابطه‌ی بین سطح تحصیلات و میزان انتقالات بین والدین و فرزندان نشان می‌دهد والدینی که دارای تحصیلات بالاتری هستند، انتقالات بیش‌تری به فرزندان انجام می‌دهند و انتقالات بیش‌تری

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

نیز دریافت می‌کنند. والدین دارای تحصیلات بالاتر، دارای منابع بیش‌تری هستند، به دلیل اهمیت بیش‌تر سرمایه‌ی انسانی فرزندان، سرمایه‌گذاری بیشتری روی آن‌ها انجام می‌دهند و احتمالاً به این دلیل که در گذشته سرمایه‌گذاری بیش‌تری روی فرزندان خود انجام داده‌اند، انتقالات بیش‌تری نیز از آن‌ها دریافت می‌کنند. رابطه‌ی معنی‌دار بین سطح تحصیلات فرزندان و انتقالات فرزندان به والدین منعکس‌کننده‌ی انگیزه‌ی جبران در انتقالات فرزندان به والدین است و فرزندان تحصیل‌کرده‌تر برای جبران هزینه‌هایی که والدین صرف تحصیلات آن‌ها کرده‌اند، کمک‌های بیش‌تری به والدین انجام می‌دهند.

در حال تحصیل‌بودن فرزندان، میزان انتقالات والدین به فرزندان را کاهش داده است که نشان می‌دهد فرزندان در حال تحصیل در مقایسه با فرزندانی که دوره‌ی تحصیل را طی کرده‌اند و در مراحل دیگری از چرخه‌ی عمر هستند، انتقالات و حمایت‌های بیش‌تری از والدین دریافت می‌کنند. به نظر می‌رسد که هزینه‌های صرف‌شده برای اشتغال و سایر نیازهای فرزندان بعد از فراغت از تحصیل، خیلی بالاتر از هزینه‌های فرزندان در حال تحصیل است و این امر باعث ایجاد رابطه‌ی منفی بین در حال تحصیل‌بودن فرزندان و میزان انتقالات دریافت‌شده از والدین شده است. این نیازها می‌تواند در مورد فرزندان غیرهم‌سکنا که درگیر با تأمین هزینه‌های بیش‌تری هستند، پررنگ‌تر باشد.

رابطه‌ی بین بازنشسته‌بودن(انتقالات عمومی) و میزان انتقالات فرزندان به والدین نشان می‌دهد که با توجه به ضعف نظام بازنشستگی و پایین‌بودن میزان درآمد بازنشستگی در ایران، بازنشستگان برای تأمین هزینه‌های زندگی انتقالات بیش‌تری از فرزندان دریافت می‌کنند. این یافته، فرضیه‌ی افزایش میزان انتقالات دریافت‌شده‌ی والدین بازنشسته را به دلیل ضعف انتقالات عمومی و مستمری بازنشستگی تأیید می‌کند.

از لحاظ انگیزه‌ی انجام انتقالات، در انتقالات والدین به فرزندان، هم‌نوع‌دوستی، انگیزه‌ی مسلط است که از طریق هم‌نوع‌دوستی والدین و احساس وظیفه و تعهد هنجاری تقویت می‌شود؛ ولی انگیزه‌ی انجام انتقالات در انتقالات فرزندان به والدین اندکی متفاوت‌تر است. در انتقالات فرزندان به والدین برخی سطوح انگیزه‌های جبرانی نیز قابل مشاهده است. بنابراین از جبران انتقالات در کنار هم‌نوع‌دوستی فرزندان می‌توان به عنوان انگیزه‌ی تکمیلی انجام انتقالات از فرزندان به والدین یاد کرد. در مجموع فرزندان به نوعی برای جبران انتقالات والدین به آن‌ها کمک می‌کنند و خود را

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

متعهد به رفع نیازهای والدین خود می‌دانند؛ ولی والدین در هر شرایطی از فرزندان خود حمایت و به آن‌ها کمک می‌کنند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

منابع

۱. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۳) **خانواده ایرانی**، تهران: نشر علم.

۲. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۵) **تغییرات، چالش‌ها و آینده‌ی خانواده ایرانی**، تهران: انتشارات تیسا.

۳. **سرشماری عمومی نفوس و مسکن** (۱۳۹۰) مرکز آمار ایران.

4. Agree, Emily M, Ann M. Biddlecom, Ming-Chang Chang and Aurora E. Perez (1998), *Generalized Exchange and Intergenerational Transfers in Taiwanese and Filipino Families*, Hopkins Population Center Papers on Population, WP 98-06.

5. Albertini Marco and Jonas Radl (2012), *Intergenerational transfers and social class: Inter-vivos transfers as means of status reproduction*? Acta Sociologica, No. 55(2), Pages 107–123, DOI: 10.1177/0001699311431596.

6. Albertini, Marco, Martin Kohli and Claudia Vogel (2007), *Intergenerational transfers of time and money in European families: common patterns – different regimes?* Journal of European Social Policy, No. 17 (4), Pages 319-334

7. Albuquerque, Paula C. (2014), *The Interaction of Private Intergenerational Transfers Types*, *ISEG- Lisboa University and SOCIUS*, School of Economics and Management, Department of Economics Working Papers, ISSN 2183-1815, Lisbon.

8. Altonji, Joseph G, Fumio Hayashi and Laurence J. Kotlikof (1997), *Parental Altruism and Inter Vivos Transfers: Theory and Evidence*, Journal of Political Economy, Volume 105, No. 6, Pages 1121-1166.

9. Anderoeni, James (1990), *Impure Altruism and Donations to Public Goods: A Theory of Warm-Glow Giving*, The Economic Journal, Volume 100, Issue 401, Pages 464-477.

10. Arrondel, Luc and André Masson (2002), *Altruism, Exchange or Indirect Reciprocity: What do the Data on Family Transfers Show?* ENS-Delta Working Paper No. 2002-18, Paris.

11. Arrondel, Luc and André Masson (2001), *Family Transfers Involving Three Generations*, The Scandinavian Journal of Economics, Volume 103, No. 3, Pages 415-443.

12. Attias-Donfut, Claudine, Jim Ogg and Francois-Charles Wolff (2005), *European patterns of intergenerational financial and time transfers*, Eur J Ageing, 2, Pages 161–173.

13. Barro R. J. (1974), *Are Government Bonds Net Wealth*, Journal of Political Economy, 82, Pages 1095-1117.

14. Becker, Gary S. (1974), *A Theory of Social Interaction*, Working Paper No. 42, Center for Economic Analysis of Human behavior and Social Institutions, New York.

15. Bengtson, V. L. and Roberts, R. E. L. (1991). *Intergenerational solidarity in aging families: An example of formal theory construction*, Journal of Marriage and the Family, 53,Pages 856–870.

16. Bengtson Vern L. and Petrice S. Oyama (2007), *Intergenerational Solidarity: Strengthening Economic and social Ties*, United Nations, Department of Economic and Social Affairs, Division for Social Policy and Development, New York.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

17. Bianchi, Suzanne M,V. Joseph Hotz, Kathleen McGarry, Judith A. Seltzer (2007), *Intergenerational Ties: Alternative Theories, Empirical Findings and Trends, and Remaining Challenges*, Paper prepared for the 2006 Penn State Symposium on Family Issues, "Caring and Exchange. www.soc.duke.edu/~efc/Docs/.../IntergenerationalTies_tociruclate17March2007.pdf.
18. Cardia, Emaunela and Serena Ng (2003), *Intergenerational Time Transfers and Children*, Review of Economic Dynamics, No. 6, PagesP 431-454, www.elsevier.com/locate/red.
19. Clark, Shelley and Catherine Kenney (2010), *Is the United States Experiencing a Matrilineal Tilt? Gender, Family Structures andFinancial Transfers to Adult Children*, Social Forces, Vol. 88, No. 4, Pages 1753-1776.
20. Cox, Donald and Mark R. Rank (1992), *Inter-Vivos Transfers and Intergenerational Exchange*, The Review of Economics and Statistics, Volume 74, No. 2, Pages 305-314.
21. Cox, Donald and George Jakubson (1995), *The connection between public transfers and private interfamily transfers*, Journal of Public Economics 57, Pages 129-167.
22. Cox, Donald, Zekeriya Eser and Emmanuel Jimenez (1996), *Motives for Private Transfers over the Life Cycle: An Analytical Framework and Evidence for Peru*, Boston College Working Papers in Economics, http://fmwww.bc.edu/EC-P/wp327.pdf.
23. Dykstra, Pearl A, Thijs van den Broek, Cornelia Muresan, Mihaela Haragus, Paul-Teodor Haragus, Anita Abramowska-Kmon and Irena E. Kotowska (2013), *Intergenerational linkages in families*, Families and Societies Working Paper Series, A project funded by European Union's Seventh Framework Programme under grant agreement No. 320116.
24. Dykstra, Pearl A. (2010), *Intergenerational Family Relationships in Ageing Societies*, United Nations, New York and Geneva.
25. Hagestad, Gunhild O. and Katharina Herlofson (2005), *Micro and Macro Perspectives on Intergenerational Relations and Transfers in Europe*, United Nations Expert Group Meeting on Social and Economic Implications of Changing Population Age Structures, Mexico City. http://www.un.org/esa/population/meetings/Proceedings_EGM_Mex_2005/hagestad.pdf.
26. Karagiannaki, Eleni (2011), *The Magnitude and Correlates of Inter-vivos Transfers in the UK*, Centre for Analysis of Social Exclusion, London School of Economics, CASE/151.
27. Kluge, Fanny Annemarie (2009), *Transfers, Consumption and Income over the Lifecycle in Germany*, Max Planck Institute for Demographic Research, Germany.
28. Kohli, Martin (1999), Private and Public Transfers Between Generations: Linking the Family and the State, European Societies, No. 1(1), Pages 81-104, Routledge, Berlin.
29. Kohli, Martin and Marco Albertini (2007*), The Generational Contract in the Family: Explaining Regime Differences in Financial Transfers from Parents to Children in Europe*, DemoSoc Working Paper, Paper No. 2007—24.
30. Kohli, Martin and Harald Künemund (2003), *Intergenerational Transfers in the Family: What Motivates Giving?* Published in: Vern L. Bengtson & Ariela Lowenstein (eds.) (2003): *Global Aging and Challenges to Families*. New York. Aldine de Gruyter, Pages 123-142.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

31. Kohli, Martin and Marco Albertini (2006), *The impact of welfare and family regimes on transfers between older parents and their adult children, Paper prepared for the AMANDA Final Conference: Lessons from SHARE Wave 1, 23-25 February 2006, Villa Monastero, Varenna, Italy*

32. Künemund, Harald, Andreas Motel-Klingebiel and Martin Kohli (2005), *Do Intergenerational Transfers From Elderly Parents Increase Social Inequality Among Their Middle-Aged Children? Evidence from the German Aging Survey*, Journal of Gerontology: Social Sciences, Volume 60B, No. 1, Pages S30–S36.

33. Lee, Ronald (2012), *Intergenerational Transfers, the Biological Life Cycle, and Human Society*, Population and Development Review, Vol. 38, Pages 23-35.

34. Lee, Ronald and Andrew Mason (2011), *Population Aging and the Generational Economy A Global Perspective*, Edward Elgar International Development Research Centre, Cheltenham, UK.

35. Leopold, Thomas and Thorsten Schneider (2010), *Family Events and the Timing of Intergenerational Transfers*, SOEPpapers on Multidisciplinary Panel Data Research at DIW Berlin, No. 327, http://www.diw.de/soeppapers.

36. Litwin, Howard, Claudia Vogel, Harald Künemund and Martin Kohli (2008), *The balance of intergenerational exchange: correlates of net transfers in Germany and Israel*, Eur J Ageing, No. 5(2), Pages 91–102.

37. Martin, Linda G. and Samuel H. Preston, Editors; Committee on Population, National Research Council (1994), *Demography of Aging*, National Academies Press, http://www.nap.edu/catalog/4553.html/

38. Mason, Andrew, Ronald Lee, An-Chi Tung, Mun-Sim Lai and Tim Miller (2006), *Population Aging and Intergenerational Transfers: Introducing Age into National Accounts*, NBER Working Paper Series, Working Paper 12770.

39. Mudrazija, Stipica (2014a), *The balance of intergenerational family transfers: a life-cycle Perspective*, Eur J Ageing, 11, Pages 249–259.

40. Mudrazija, Stipica (2014b), *How Public Policies Affect Intergenerational Family Transfers in Europe*, Presented in Session 168: Intergenerational Support and Caregiving, Population association of America http://paa2014.princeton.edu/papers/143107.

41. Nauck, Bernhard and Anja Steinbach (2009), Intergenerational Relationships, German Council for Social and Economic Data, Working Paper No. 116, URL: www.ratswd.de.

42. Norton, Edward C, Lauren Hersch Nicholas and Sean Sheng-Hsiu Huang (2013), *Informal Care and Inter-vivos Transfers: Results from the National Longitudinal Survey of Mature Women*, National Bureau of Economic Research, Working Paper 18948, http://www.nber.org/papers/w18948

43. Schenk, Niels, Pearl Dykstra and Ineke Maas (2010), *The role of European welfare states in intergenerational money transfers: a micro-level perspective*, Ageing & Society, Pages 1315–1342, Cambridge University Press.

44. Scholz, John Karl, Ananth Seshadri, and Kamil Sicinski (2014), *Long-Run Determinants of Intergenerational Transfers*, Michigan Retirement Research Center, University of Michigan Working Paper WP 2014-312.

45. Silverstein, Merril and Vern L. Bengtson (1997), *Intergenerational Solidarity and the Structure of Adult Child–Parent Relationships in American Families*, *AJS* Volume 103, No. 2, Pages 429–60

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

46. Silverstein, Merril, Stephen J. Conroy, Haitao Wang, Roseann Giarrusso, and Vern L. Bengtson (2002), *Reciprocity in Parent–Child Relations Over the Adult Life Course*, Journal of Gerontology, Volume 57B, No. 1,Pages S3–S13.
47. Silverstein, Merril, Daphna Gans, Frances M. Yang (2006), *Intergenerational Support to Aging Parents, The Role of Norms and Needs, Journal of Family Issues Volume 27, No. 8*, Pages *1068-1084*
48. Stark, Oded and Junsen Zhang (2000), *Counter-compensatory inter-vivos transfers and parental altruism: Compatibility or orthogonality?* Working Paper, Reihe Ökonomie / Economics Series, Institut für Höhere Studien (IHS), No. 82, http://hdl.handle.net/10419/70815
49. Tobío, Constanza Soler (2012), *Reciprocity and solidarity in intergenerational relationships: Spain, France and Norway in comparative perspective*, Universidad Carlos III de Madrid. Departamento de Ciencia Política Sociología, Papers 2012, 97/4.
50. Vogt, Tobias C. and Fanny A. Kluge (2015), *Income sources and intergenerational transfers in different regimes: The case of East Germany's transformation*, Demographic Research, Volume 33, Article 41, Pages1153–1164, URL: http://www.demographic-research.org/Volumes/Vol33/41/

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]